

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۸، زمستان ۱۴۰۲، صص ۲۷-۵۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1921400.2186](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1921400.2186)

مطالعه تطبیقی آزمون‌های قهرمانان اساطیری در حماسه‌های ملل مختلف «مطالعه موردی:

اساطیر ایرانی، یونانی و هندی»

سمیه تقی‌زاده ثمرین^۱، دکتر ابوالقاسم رادفر^۲، دکتر علیرضا شعبانلو^۳، دکتر فرانک جهانگرد^۴

چکیده

قهرمانان اساطیری در متون حماسی ملل مختلف در قالب‌ها و اشکال گوناگون بروز می‌کنند؛ اما اغلب سرگذشت یکسانی دارند و مراحل مشابهی را پشت سر می‌گذارند. آزمون و روایت‌های وابسته به کلیدواژه آزمون، یکی از موضوعات مشترک بسیاری از اساطیر جهان است و معمولاً این موضوع از نقاط عطف روایات و از مهم‌ترین بسترهای انگیزشی قهرمان برای کنش آغازین روایت‌ها است. آزمون‌های اساطیری با اهداف گوناگونی به اجرا درمی‌آیند و نه تنها خاص پهلوانان و قهرمانان؛ بلکه در جاهایی از اساطیر اختصاص به خدایان داشته‌اند. مسیر قهرمانی شخصیت‌های درخشان اسطوره‌ای از گذرگاه آزمون و در بوته امتحان قوای جسمانی و روحانی می‌گذرد. آزمون یکی از آیین‌هایی است که در میان تمامی اسطوره‌های ملل وجود داشته است و تاریخی به دیرینگی خود اسطوره دارد. آزمون‌شوندگان که اکثراً از طبقه پهلوانان در اساطیر می‌باشند گاه به‌صورت کاملاً دلخواه و اختیاری همچون رستم و اسفندیار، اقدام به پذیرش آزمون می‌کنند، گاه همچون هرکول و اولیس از سر اجبار تن به آزمون می‌دهند و سیلی از دخالت نیروهای مافوق طبیعی آن‌ها را از آزمونی به آزمونی دیگر می‌کشاند. آزمون‌ها گاه پذیرفته نمی‌شود و آزمون‌دهنده مجبور است به جای آزمون پذیرفته‌نشده آزمونی دیگر را از سر بگذراند. پهلوانان که آزمون‌شوندگان بی‌چون‌وچرای اساطیرند، هرکدام بدون استثنا به آزمون پاکی و بی‌گناهی مبتلا می‌شوند، از جمله رستم، اسفندیار و اولیس در مصاف زن جادو، گیلگمش در مصاف ایشتر و هرکول در مصاف هیپولیت و زنان آمازونی. پهلوانان آنجا که پای آزمون سنجش توانایی در میان است و باید زور بازوی خود را نشان دهند، متناسب با دشواری‌ها و سختی‌های آزمون تلاش می‌کنند و با موفقیت از آن‌ها گذر می‌کنند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که مطالعه تطبیقی آزمون‌های اساطیر در حماسه‌های ملل مختلف، از چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین آن‌ها حکایت می‌کند؟

واژگان کلیدی: اسطوره، آزمون، ایرانی، یونانی، هندی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

samira.taghizade@yahoo.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

agradfar@yahoo.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

alirezashabanlu@gmail.com

^۴ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

fjahangard@yahoo.com



مقدمه

در سیر تکامل اندیشه و تمدن انسانی، اسطوره و مؤلفه‌های اسطوره‌ای به‌ویژه اسطوره قهرمان، در حماسه‌ها (به عنوان یکی از تجلی‌گاه‌های اسطوره) جلوه پیدا می‌کنند. اسطوره قهرمان یا «شخصیت سمبلیک قهرمان»، در طول تاریخ همواره در ناخودآگاه انسان‌ها وجود داشته و نوع بشر متعلق به هر دوره و هر تمدنی که باشد، همواره آرمان‌ها و آرزوهای مشابهی را طلب می‌کند. مسیر قهرمانی شخصیت‌های درخشان اسطوره‌ای از گذرگاه آزمون و در بوتۀ امتحان قوای جسمانی و روحانی می‌گذرد. از منظر اسطوره‌شناسی، اسطوره قهرمان، متداول‌ترین و مأنوس‌ترین اسطوره در جهان امروز است. بشر امروز به‌واسطه زیست در جهانی که پیوسته در حال دگرگونی‌های بنیادین است، بیش از هر زمانی به روح اسطوره قهرمانی نیاز دارد؛ زیرا، اسطوره قهرمان به‌وضوح دارای جاذبه‌ای شگفت‌انگیز و اهمیت روانی فوق‌العاده عمیق است و نیز به همین دلیل، اسطوره قهرمان در طراحی ساختار یک نظام دراماتیک، کارکردی مضاعف می‌یابد؛ زیرا شخصیت قهرمان، از یک سو کارکرد اسطوره‌ای و از سوی دیگر کارکردی بنیادین در پی‌ریزی ساختار دراماتیک خواهد داشت. در اساطیر بیشترین انجام‌دهندگان آزمون‌های سخت و دشوار، پهلوانان و قهرمانان هستند که الگوهای رفتاری جامعه خود به شمار می‌رفته‌اند. پهلوانان در برابر جبر حوادث و هنگامی که باید یک رشته ارزش‌ها را در برابر ارزش‌های دیگر قرار دهند، ناگزیر می‌شوند دست به گزینشی قاطعانه و سرنوشت‌ساز بزنند. آن‌ها نیمی به دلیل کامیابی‌شان و نیمی بدان سبب که از بوتۀ آزمایش‌هایشان انسان‌هایی حساس‌تر و اندیشمندتر بیرون می‌آیند، به شخصیت پهلوانی والایی بدل می‌شوند. پژوهش حاضر سعی دارد به شیوه توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که قهرمانان اساطیری در حماسه‌های ایرانی، هندی و یونانی در مسیر آزمون‌های مختلف، دارای چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستند؟

آزمون یکی از آیین‌هایی است که در میان تمامی اسطوره‌های ملل وجود داشته است و تاریخی به دیرینگی خود اسطوره دارد. هدف این پژوهش این است که نشان دهد هر یک از قهرمانان اساطیری ملل مختلف چه آزمون‌هایی را سپری کرده‌اند تا به چهره‌ای اسطوره‌ای و ماندگار تبدیل شده‌اند؟

پیشینه تحقیق

خجسته و صیادی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی کهن‌الگوی آزمون در شاهنامه و هفت‌پیکر نظامی»، ضمن معرفی کهن‌الگوی آزمون و مروری بر جلوه‌های آن در متون حماسی و افسانه‌ای، بازتاب و کارکرد آن در منظومه هفت‌پیکر نظامی را بررسی کرده‌اند. یافته نهایی این جستار چنین است که کهن‌الگوی آزمون، حتی در جایی که توانایی جسمانی و مادی قهرمان را به سنجش می‌گیرند، بر سیر و سلوک باطنی قهرمان و تعالی و تکامل درونی و روحی او دلالت دارد. دانش‌پور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل کهن‌الگویی آزمون‌های شاهنامه»، به تحلیل کهن‌الگویی آزمون‌های موجود در شاهنامه پرداخته و سعی کرده تا کلیه آزمون‌هایی که قهرمانان و بزرگان شاهنامه یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارند، نشان دهد و کهن‌الگوهای موجود در آن‌ها شناسایی و تحلیل شوند. شجاعی‌مقدم (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی سفر قهرمان و مرگ‌اندیشی در حماسه گیل‌گمش با تأکید بر نظریه کریستوفر وگلر» به بررسی و تطبیق حماسه گیل‌گمش با نظریه سفر قهرمان کریستوفر وگلر پرداخته است. از دیدگاه این پژوهش‌الگوی سفر قهرمان، جهان‌شمول است و در هر عصر فرهنگی رخ می‌دهد. از این‌گونه می‌توان برای تحلیل و تفسیر متون ادبی و آشکارساختن مفاهیم و ظرایف پنهان در متن سود جست. موسوی (۱۳۹۵) و همکاران در پژوهشی با عنوان «ساختار اسطوره‌ای در گنبد سیاه هفت‌پیکر: بررسی نظریه سفر قهرمان در گنبد اول»، از الگوی «سفر قهرمان» و وگلر برای تحلیل ساختارهای اسطوره‌ای و سیر قهرمانان گنبد اول هفت‌پیکر استفاده کرده‌اند، چرخه‌های «سفر قهرمان»، مشخص و تفکیک و پس از آن با نظریه فوق بررسی شده است. کامل‌ترین چرخه از میان چرخه‌های قابل بررسی، داستان «پادشاه سیاه‌پوشان» است که بر سایر چرخه‌ها تأثیر فراوان دارد و به دلیل شکست قهرمان آن در مرحله هشتم الگو (آزمایش بزرگ) اهمیت ویژه‌ای دارد. هدف این مقاله، بررسی شکلی از الگوی قهرمان شکست‌خورده و هم-چنین تفاوت آن با قهرمانان پیروز است.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی انجام شده است. پس از خوانش حماسه‌های ملل مورد مطالعه (ایرانی، یونانی و هندی) به بررسی و

مقایسه آزمون‌های قهرمانان اساطیری این کشورها پرداخته و وجوه اشتراک و تفاوت آن‌ها را برشمرده است.

مبانی تحقیق

روایت‌های اسطوره‌ای و اسطوره قهرمان

روایت‌ها - و به‌ویژه روایت‌های داستانی از هر نوع که باشند و از طریق هر رسانه‌ای که روایت شوند، اغلب فرض‌هایی درباره جهان و نحوه ادراک و معنای آن به مخاطب پیشنهاد می‌دهند. به همین سبب، اسطوره‌ها که روایت‌هایی از الگوهای پایدار و پرتکرار تجارب و رویدادهای حیات معنوی بشر در اعصار گوناگون به شمار می‌روند، از منظر روایت‌شناسی اهمیتی دو چندان می‌یابند. اهمیت روایت‌های اسطوره‌ای از آن روست که آفرینش و خلق اسطوره‌ها یک ویژگی عام بشری در تمامی اعصار تلقی می‌شود. از منظر اسطوره‌شناسی، اسطوره قهرمان، متداول‌ترین و مانوس‌ترین اسطوره در جهان امروز است. بشر امروز به واسطه زیست در جهانی که پیوسته در حال دگرگونی‌های بنیادین است، بیش از هر زمانی به روح اسطوره قهرمانی نیاز دارد؛ زیرا، اسطوره قهرمان به وضوح دارای جاذبه‌ای شگفت‌انگیز و اهمیت روانی فوق‌العاده عمیق است (ر.ک: یونگ و همکاران: ۱۳۵۲: ۱۶۷) و نیز به همین دلیل، اسطوره قهرمان در طراحی ساختار یک نظام دراماتیک، کارکردی مضاعف می‌یابد؛ زیرا شخصیت قهرمان، از یک سو کارکرد اسطوره‌های و از سوی دیگر کارکردی بنیادین در پیریزی ساختار دراماتیک خواهد داشت.

سیر تاریخی نظریه‌های اسطوره قهرمان

از میان تمام مطالعاتی که درباره اسطوره قهرمان صورت گرفته و گستره وسیعی از رویکردهای فلسفی، روایت‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی را در بر می‌گیرد، اصلی‌ترین و بنیادی‌ترین نظریه‌ها به مطالعات اتو رانک، لرد راگلان و جوزف کمپل بازمی‌گردد. هر یک از این نظریه‌پردازان، الگویی متمایز برای تبیین و تحلیل اسطوره قهرمان ترسیم کرده‌اند. الگوی اتو رانک به شدت تحت تأثیر نظریه فروید و بر تفسیر «تولد قهرمان» متمرکز شده است. الگوی لرد راگلان، کاملاً تحت تأثیر نظریه جیمز فریزر است که اسطوره را به‌عنوان متنی آیینی و مذهبی تلقی می‌کند و بر واپسین مراحل سفر قهرمان و مرگ و دگردسی او به‌عنوان شخصیتی افسانه‌ای و فناپذیر متمرکز می‌شود؛ اما الگوی جوزف کمپل، آشکارا بر پایه نظریه یونگ درباره کهن الگوی قهرمان بنا شده است. وی در رویکردی همسو با

روانشناسی تحلیلی یونگ، نقش اصلی قهرمان را به عنوان نماد خود و سیر ماجراهای او را به عنوان نماد زندگی در نظر گرفته و مطالعات خود را بر فرایند سفر قهرمان متمرکز کرده است (ر.ک: ایندیک، ۲۰۰۴: ۲).

سفر قهرمان؛ مقدمه‌آزمون‌های اساطیری

توجه به شباهت‌های بین اساطیر ملل مختلف، پژوهشگران را به کشف ساختارهای اسطوره‌ای مشترک میان آن‌ها رهنمون می‌سازد؛ الگوهایی که با تنوعی نامحدود در آثار ادبی و هنری تکرار می‌شوند. «سفر قهرمان» یکی از نظریه‌هایی است که به وسیله آن می‌توان به ساختارهای تکرارشونده در داستان‌های حماسی ملل گوناگون پی برد و به تحلیل آن‌ها پرداخت. سفر و آزمون از مفاهیم کلیدی اساطیر و جزء لاینفک افسانه‌ها و داستان‌های حماسی‌اند؛ بنابراین در بررسی داستان‌ها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، بررسی «مفهوم سفر و انواع آزمون» در آن‌ها حائز اهمیت بسیار است. قهرمانان اسطوره‌ای در یکی از آزمون‌های خود به عنوان «سفر» مراحل بسیاری را پشت سر می‌گذارند و در این مراحل نکات مشترک بسیاری وجود دارد؛ اعداد، موجودات خیالی و عبور از دنیای مردگان و ... از نمونه‌های این اشتراک هستند. قهرمان پس از گذر از هریک از موانع و گذشتن از مکان‌های خطرناکی مانند دنیای مردگان طی چند روز یا چند سال به سفر خود خاتمه می‌دهد (ر.ک: مشعلیان و هاشمیان، ۱۳۹۹: ۲۴۶).

بحث

تحلیل آزمون‌های اساطیری در حماسه‌های ایرانی

آزمون‌های هفت‌خوان رستم

کاووس در پی سبک‌سری که از خود نشان می‌دهد راهی مازندران می‌شود و در آنجا اسیر و گرفتار دست دیوان می‌شود، رستم به دستور زال مأمور نجات وی می‌شود و باینکه دو راه در پیش رو دارد، یک راه امن؛ اما از لحاظ زمانی وقت‌گیر و طولانی و راه دیگر کوتاه‌تر؛ اما پرخطر، راه دوم را برای نجات جان کاووس برمی‌گزیند و پای در راهی می‌نهد که پر از آزمون‌های سخت و دشوار است. خوان اول، خوان رخس است، بدین‌صورت که رستم در محلی که بیشه شیر بود برآسود و خفت و در این موقع شیر با دیدن اسب و سوار خفته، به رخس حمله‌ور شد و در این مقابله رخس پیروز میدان شد. در خوان دوم، رستم به همراه رخس به بیابان بی‌آب و گرمای سخت مبتلا می‌شود، در حالی که تاب و توان خود را از دست داده، از پروردگار یاری می‌طلبد تا در نهایت یک میش وی را به آبخوری هدایت می‌کند.

خوان سوم جنگ با اژدها می‌باشد، رستم پس از رهایی از بیابان به خواب رفته که در نیمه‌های شب اژدهای پیل‌پیکری که در آن نزدیکی می‌زیست به رخس حمله‌ور می‌شود، رخس به رستم پناه می‌برد و با کوبیدن سم سعی می‌کند رستم را از خواب بیدار کند؛ اما پیش از بیدار شدن رستم، اژدها خود را پنهان می‌کند. این اتفاق تا دوبار می‌افتد و رستم با عصبانیت رخس را تهدید می‌کند که اگر بار دیگر بی‌دلیل وی را بیدار کند سر از تن وی جدا خواهد کرد، اژدها برای بار سوم به رخس حمله کرد و رخس با تردید رستم را بیدار نمود و این بار اژدها را پیش از آنکه پنهان شود رؤیت کرد و با وی گلاویز شد. رستم در نهایت با کمک رخس که پوست اژدها را به دندان گرفته بود، سر از تن اژدها جدا کرد. خوان چهارم مقابله با زن جادو می‌باشد، رستم در راه، در کنار چشمه‌ای به سفره پر زرق و برق و نعمتی برخورد و از رخس پیاده شد و به نواختن سازی که در کنار سفره بود پرداخت. زن جادوگری که با لشگری از دیوان در آن نزدیکی می‌زیست آواز رستم شنید و خود را به صورت زنی زیبا به رستم نمایان کرد. رستم در میان گفت‌وگوی خود با زن به ستایش یزدان پرداخت. جادوگر چون نام یزدان را بشنید چهره‌اش سیاه شد. رستم به ماهیت زن پی برد و کمند انداخته و او را اسیر کرد و با یک ضربه شمشیر او را دو نیم ساخت (ر.ک: فردوسی، ۱۳۷۵: ۹۹-۹۱). خوان پنجم جنگ با اولاد مرزبان است، رستم در مسیر خود، در کنار رودی به خواب رفت و رخس در چمنزاری به چرا مشغول شد. دشت‌بان آن ناحیه که از چرای رخس به خشم آمده بود به رستم حمله برده و در خواب ضربه‌ای به وی وارد کرد. رستم از خواب برخاست و گوش‌های دشت‌بان را کنده و کف دست او نهاد. دشت‌بان به پهلوان آن نواحی که «اولاد» نام داشت شکایت برد. اولاد و سپاهیان‌ش به جنگ رستم رفتند. رستم به سپاه حمله کرده و پس از تار و مار کردن آنان اولاد را اسیر کرد و به او گفت که اگر محل دیو سپید را به وی نشان دهد او را شاه مازندران خواهد کرد. اولاد نیز پیشاپیش رستم و رخس به راه افتاد تا محل دیو سپید را به آنان نشان دهد. خوان ششم جنگ با ارژنگ دیو است، پس از آنکه رستم به راهنمایی اولاد به کوه اسپروز که محل زندانی شدن کاووس بود رسیدند، با ارژنگ دیو که نگهبان کاووس بود وارد جنگ شد و سر از تن او جدا ساخت. رستم پس از آزاد کردن کاووس به خوان هفتم که جنگ با دیو سپید است می‌رود. در این خوان آخر رستم به همراه اولاد به هفت کوه که غار محل زندگی دیو سپید در آن قرار داشت رسید و پس از بستن دست‌وپای اولاد به درون غار دیو سپید می‌رود و در ضمن مبارزه‌ای طولانی با این دیو موفق به کشتن وی می‌شود (ر.ک: همان: ۹۹-۱۱۰).

آزمون‌های توانایی که رستم از سر گذرانده شامل آزمون مقاومت یعنی گذشتن از بیابان و مبارزه با تشنگی در خوان دوم، آزمون زورمندی در مبارزه با اژدها در خوان سوم، آزمون تدبیر و چالاکی در مبارزه با اولاد و سپاهش به صورت یک‌تنه در خوان پنجم و آزمون زور بازو و جسارت در مبارزه با ارژنگ‌دیو در خوان ششم و مبارزه با دیوسپید و نجات کی کاووس در خوان هفتم.

«آزمون پاکی و دوری از گناه در خوان چهارم است که رستم از آن با موفقیت بیرون می‌آید. در خوان دوم مقاومت، در خوان سوم زورمندی، در خوان چهارم تائید ایزدی، در خوان پنجم تدبیر و چالاکی و در خوان ششم و هفتم مجدداً زور بازو و جسارت رستم به کار می‌افتد و او را پیروز می‌کند» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۵: ۳۱۹).

آزمون‌های هفت‌گانه رستم، سیری پیوسته از گذرگاه تاریک درون و بیرون است برای رسیدن به روشنایی (ر.ک: رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۰). آزمون مبارزه با شیر که به نوعی بن‌مایه تمام آزمون‌های اساطیر است در خوان اول رستم، از آن رخس می‌باشد که شخصیت مجازی به حساب می‌آید، به عبارتی جزئی از توانایی پهلوان است که بدون او گذر از خوان‌ها و رسیدن به هدف کار آسانی نیست. ابزارهای آزمون پهلوان گرز و خنجر و تیغ وی می‌باشد، در آزمون خوان چهارم که به قول اسلامی ندوشن «آزمون تائید ایزدی می‌باشد»، نقش عوامل مافوق طبیعی را داریم و آن یاری دادن ایزد است در رو نمایاندن چهره واقعی زن جادو. باز در خوان هفتم، رستم از هفت‌کوه می‌گذرد تا به جایگاه دیو سپید برسد که این خود شاید نماینده این باشد که دشواری آزمون‌ها نهایتاً به کمال رساندن پهلوان را به دنبال دارد، از آنجا که هفت در فرهنگ باستان عددی مقدس می‌باشد و سیر در این مسیر تکامل را در پی دارد.

آزمون‌های هفت‌خوان اسفندیار

اسفندیار به دستور کی‌گشتاسب، پدرش به توران می‌رود تا خواهرانش را آزاد کند. او نیز همچون رستم، راه کوتاه‌تر؛ اما پر مخاطره‌تر را برمی‌گزیند. وی برخلاف رستم، لشکر، برادر و مشاور همراه خود دارد؛ البته در نبردهایش تنهاست. خوان اول اسفندیار مقابله با دو گرگ می‌باشد. اسفندیار به راحتی با تیر و کمان آن‌ها را کشت و سرشان را با شمشیر از بدن جدا کرد. در گذر از خوان دوم، به تنهایی به نبرد با دو شیر می‌پردازد، ابتدا شیر نر و سپس شیر ماده را می‌کشد. اسفندیار در خوان سوم که مقابله با اژدها است، گردونه‌ای از چوب بر دو اسب زورمند می‌بندد و خود بر آن می‌نشیند و به سوی اژدها می‌رود. اژدها با دیدن اسب و گردونه به

طرف آن حمله‌ور می‌شود و گردونه را می‌بلعد، در این هنگام تیغ‌های گردونه در آخر دهانش گیر کرده بود، نه می‌توانست بیرون آورد و نه می‌توانست فرو ببرد. اژدها سست بر زمین می‌افتد و بدین ترتیب اسفندیار با شمشیر مغزش را پریشان می‌کند و اژدها را می‌کشد. در خوان چهارم به زن جادویی برخورد می‌کند که خود را به صورت زیبایی تبدیل کرده، اسفندیار به ستایش پروردگار می‌پردازد و زن جادو با شنیدن نام یزدان چهره می‌گرداند و هویت واقعی خود را نشان می‌دهد، اسفندیار با دیدن چهره واقعی وی، با ضربت شمشیر او را می‌کشد. در خوان پنجم دیگر بار گردونه تیغ‌دار می‌سازد، بر آن می‌نشیند و چون باد روان می‌شود. به کوه بلندی می‌رسد که جایگاه سیمرغ بود، سیمرغ چون آن را دید از کوه فرود آمد خواست گردونه را به چنگ گیرد، چندان پر و بالش را به تیغ‌ها زد که نیرویش به پایان رسید. در این هنگام اسفندیار چندان بر او تیغ زد تا تنش پاره‌پاره شد. آنگاه به نیایش یزدان پرداخت. در خوان ششم اسفندیار به همراه یارانش در برف و بوران به مدت سه شبانه روز گرفتار می‌شوند. اسفندیار گفت تا کنون با زور بازو تمام دشمنان را از سر راه برداشتم. اکنون تیغ و شمشیر و زور بازو به کار نمی‌آید. باید همگی یزدان پاک را نیایش کنیم تا بلای برف و سرما بگذرد. دیری نگذشت باد خوشی وزیدن گرفت و سرما را از بین برد. در خوان هفتم، آن‌چنان که گرگسار گفته بود، بیابان بی‌آب و خشک نبود، چون مسافتی بیشتر پیمودند به ژرف دریایی گسترده رسیدند که پیشرو ساروانان از ناآگاهی در آن افتاده بود و غرق شده بود.

در خوان‌های اسفندیار، که با هدف نجات خواهران و رسیدن به نام و آوازه و گرفتن تاج و تخت پادشاهی است، در خوان اول و دوم آزمون زورمندی را در مبارزه با دو گرگ و دو شیر پشت سر می‌گذارد، ابزار پهلوان در این بخش از آزمون، سلاح‌های معمول وی از جمله تیر و کمان و شمشیر می‌باشد، پهلوان به تنهایی از آیین آزمون گذر می‌کند. در خوان سوم همین آزمون را با تکیه بر دانایی خود، با ساختن گردونه تیغ‌دار و پشتوانه پهلوانی، در مبارزه با اژدها پشت سر می‌گذارد، آزمون پاکی و دوری از گناه را در خوان چهارم و آزمون کشتن سیمرغ را که به نوعی عاملی مافوق طبیعی است، در خوان پنجم با تکیه بر دانایی خود و این بار هم با ساختن گردونه‌ای تیغ‌دار از سر می‌گذراند، در خوان ششم آزمون مقاومت را از سر می‌گذراند، اما در این مرحله از آزمون اسفندیار تنها نیست؛ بلکه با همراهان خود از این آزمون عبور می‌کند همانند آزمون خوان هفتم، که گذر از آب می‌باشد و می‌توان گفت این دو آزمون،

آزمونی است دسته جمعی که تنها خاص اسفندیار نیست بلکه آزمون سنجش مقاومت و پایداری اسفندیار و لشگر و سپاهیان است.

تحلیل آزمون‌های قهرمانان اساطیری حماسه‌های یونان

آزمون‌های خوان‌های هرکول

هرکول از پهلوانان اساطیر یونان می‌باشد که نیمی خدا و نیمی انسان است، آزمون‌هایی که هرکول از سر می‌گذراند به اجبار خدایان است و هرکول در این آزمون‌ها با هدف رسیدن به جاودانگی و به دست آوردن نام و آبرو، قدم در راه می‌گذارد. آزمون‌هایی که در آن توانایی پهلوان سنجیده می‌شود، هرکول علی‌رغم اینکه شخصیتی تند و زودخشم معرفی شده که با کوچک‌ترین مسئله به جوش می‌آید و نیروی مافوق طبیعی خود را به کار گرفته، دست به اقدامات عجولانه می‌زند، در این آزمون‌ها به‌خوبی از نیروی دانایی خود استفاده کرده و به‌گونه‌ای با پشت سر گذاردن این آزمون‌ها از مرحله تاریک بیرون و درون گذر کرده و به‌نوعی با رستم برابری می‌کند.

هرکول هشت‌ماهه بود که با کشتن دو مار که هرا الهه جنگ و شکار به قصد کشتن وی فرستاده بود به شهرت رسید، هرکول ضمن رشد و رسیدن به مردی پیوسته کارهای نمایان می‌کرد. وی با شاهزاده خانمی ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. اورisstئوس که می‌ترسید هرکول قدرتش را تهدید کند، به وی فرمان داد تا آزمون‌هایی را انجام دهد؛ چون هرکول از خدمت و بندگی اورisstئوس سر باز زد، هرا سبب شد هرکول عقل از دست بدهد و دیوانه شود. وی درحالی‌که دچار جنون شده بود کمان بزرگش را برداشت و هر سه پسرش را، به این پندار که آن‌ها دشمنان وی هستند، با تیر بکشت (ر.ک: روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۷۴).

چون هرکول از دیوانگی رهایی یافت و دانست که چه کرده است از اجتماع دوری گزید و برای شنیدن اندرز یا توصیه هاتف معبد دلفی به‌سوی آن معبد شتافت. هاتف معبد دلفی به او گفت که باید با اطاعت از فرمان اورisstئوس و انجام ده‌خوان وی به اراده و خواست خدایان عمل کند، که پس از آن به جاودانگی دست خواهد یافت. هرکول از اندرز هاتف پیروی کرد و خود را در اختیار آن پادشاه گذاشت (ر.ک: همان).

کشتن شیر نیمیان، که یک شیر معمولی نبود؛ بلکه از نژاد موجوداتی ماوراءالطبیعی بود و بیشتر به‌نوعی هیولا می‌مانست تا یک شیر و چون هیچ تیر و نیزه‌ای به بدن او کارگر نبود، هرکول آن را بدون هیچ دردسری خفه کرد.

-کشتن مار نه سر هایدرا که نیمه بدنش فناپذیر بود. وقتی یکسر هایدرا بریده می‌شد دو سر جدید به جای آن می‌روید و یکی از سرهای آن جاودانه بود و با هیچ سلاحی آسیب نمی‌دید. هرکول ۸ سر آن را سوزاند و سر جاودانه را زیر تخته‌سنگی قرارداد. وی این آزمون را با کمک برادرزاده خود «یولاس» انجام داد و مورد قبول اوربستوس قرار نگرفت.

-پس از تعقیب و گریز بالاخره گوزن کرینیان را در تله انداخت.

-هرکول برای به دام انداختن گراز وحشی اریمنتوس، به سرزمین آرکادیا می‌رود و باید این حیوان عظیم‌الجثه را زنده بگیرد.

-تمیزکردن اصطبل شاه اوژس آن‌هم تنها در عرض یک روز. هرکول مسیر دو رودخانه را عوض کرد و آب رودخانه را سیلاب‌وار به درون اصطبل سرازیر کرد که در نتیجه اصطبل از فضولات پاک شد. این خوان توسط اوربستوس پذیرفته نشد چرا که معتقد بود هرکول این کار را برای گرفتن مزد انجام داده است.

-کشتن پرندگان گوشت‌خوار در استیمفالوس. در این خوان آتنا به هرکول یاری می‌دهد و با در اختیار نهادن قاشق‌های از جنس مفرغ به وی کمک می‌کند. هرکول با ایجاد سروصدا و وحشت موفق به پراکنده کردن پرندگان از پناهگاهشان و سپس کشتن آن‌ها می‌شود.

-خوان هفتم، رفتن وی به کرت بود برای بازگرداندن ورزای وحشی زیبایی که پوزیدئون به مینوس داده بود؛

-در خوان هشتم برای به دام انداختن مادیان‌های آدم‌خوار دیومدس، پادشاه تراس، رفت؛
به دست آوردن کمربند هیپولیتا ملکه آمازون‌ها؛

-خوان نهم هرکول، بازگرداندن گله گریون که هیولایی سه جسم بود؛

-خوان یازدهم به دست آوردن سیب‌های زرین از باغ هسپریدس؛

-خوان دوازدهم، آوردن سربروس، سگ سه سر هادس، بر روی سطح زمین و هرکول با پذیرفتن این شرط که نباید از هیچ سلاحی استفاده کند از این خوان هم با موفقیت گذشت (رک: همیلتون، ۱۳۷۶: ۲۲۶-۲۲۲).

هرکول پس از گذشت دوازده سال و گذر از دوازده خوان از این آزمون‌ها سرافراز بیرون آمد. وی درگذر از بعضی از خوان‌ها چندین آزمون را با هم انجام داده است. مثلاً در خلال خوان هشتم، به دیدن دوست خویش شاه آدمتوس رفت که همسرش، آلسستیس، تازه درگذشته بود. هرکول برای زنده کردن آن زن، با مرگ کشتی گرفت و مرگ را شکست داد و در نتیجه آن زن

را به همسرش بازگرداند. یا مبارزه با کاکوس دیو که پس از پایان خوان دهم هرکول و بردن گله گریون به تیرین، این دیو به دزدیدن ورزشهایی از این گله اقدام می‌کند که در نهایت هرکول با یافتن وی و کشتنش آزمونی دیگر را برمی‌تابد. در خوان یازدهم نیز هرکول علاوه بر انجام دادن آزمون اصلی، در ابتدا آزمون شجاعت را از سر می‌گذراند به این ترتیب که ناگزیر شد از نرئوس یاری بخواهد که از پیران دریا بود. هنگامی که هرکول او را کنار دریا دید او را بر بود، آن خدای دریا کوشید خود را به شکل‌های گوناگون دریاورد و هرکول را به هراس بیندازد، او خود را به صورت آتشی شعله‌ور، شیری غران، ماری زیرک، و سیلابی بنیان‌کن درآورد، ولی هرکول او را به هیچ‌وجه رها نکرد و همچنان استوار نگه داشت. سرانجام نرئوس تسلیم شد و راهنمایی لازم را به هرکول داد (ر.ک: روزنبرگ، ۱۳۷۹: ۷۹)، و نیز آزمون توانایی و دانایی در کشتی گرفتن با آنتائوس در خلال همین خوان یازدهم و کشتن تمامی جانوران و درنده‌خویان سرزمین لیبی، آزمون نجات پرومئئوس از عقوبت عقاب جگرخوار که زئوس برای او تعیین کرده بود (ر.ک: همان: ۸۰-۷۹)، همه در حین انجام آزمون خوان یازدهم برای هرکول اتفاق افتاده است.

آزمون کشتن شیر که بن‌مایهٔ آزمون‌های پهلوانی یا همان هفت‌خوان‌ها است در آزمون هرکول هم همانند رستم و اسفندیار وجود دارد با این تفاوت که شیری که هرکول با آن روبه‌رو می‌شود همچون شیرهای شاهنامه نیست و موجودی فراطبیعی به نظر می‌رسد که روئین تن است و هیچ ابزار طبیعی بر او کارگر نیست و هرکول با توسل بر نیروی دانایی خود درمی‌یابد که باید او را با حلقه کردن دستانش بر دور گلویش بکشد، بنابراین هرکول در این آزمون با کمک دانایی و توانایی خود، عبور می‌کند. آزمون دیگر هرکول که آن‌هم به‌نوعی در تمام آزمون‌های اساطیر دیده می‌شود و فصل مشترک است کشتن هیولا می‌باشد. این آزمون که هرکول درگیر آن است مبارزه با یک هیولای مافوق طبیعی است که نیمی از بدنش فناپذیر است و هرکول با کمک برادرزاده و هم‌سفرش موفق به کشتن آن می‌شود بدین ترتیب که هرکول به کمک آتش قبل از اینکه سری در جای بریده سر قبلی بروید محل رشد آن را با آتش می‌سوزاند. در این آزمون هرکول آتش را که ابزار شناخت حق از باطل و پاکی از ناپاکی است، در خدمت می‌گیرد، گفتنی است که این آزمون از جانب اوریستئوس پذیرفته نمی‌شود. آزمون صبر و پایداری را هرکول در خوان سوم می‌گذراند در این آزمون هرکول نباید از ابزار و وسیله‌ای استفاده کند چراکه ابزار آزمونی که درصدد انجام آن است موجودی مقدس است که مورد توجه آرتمیس، الهه شکار

قرار دارد و هرکول در این آزمون یک سال تمام مجبور به دویدن و دنبال کردن این موجود است به نحوی که حیوان را خسته کرده و به بند می‌کشد، هرکول در این خوان هم‌زمان دو آزمون صبر و پایداری و مقاومت جسمانی را از سر گذرانده است.

هرکول در خوان چهارم ناگزیر است گراز وحشی اریمانتی را، به اسارت درآورد و با خود به تیرن نزد اوریستئوس برد. خوان پنجم هرکول که باهدف تحقیر کردن وی دستور داده می‌شود تمیز کردن اصطبل شاه اوژس است که هرکول در این مرحله از آزمون، آب را ابزار انجام آن قرار می‌دهد. در آزمون خوان ششم و هفتم هرکول، دخالت نیروهای مافوق طبیعی را می‌بینیم از جمله یاری آتنا، خدای جنگ، به وی باهدف پراکنده کردن انبوه پرندگان ستیمفالی در کشتزاران منطقه‌ای با همین نام. ابزار آزمون هرکول قاشق‌هایی از جنس مفرغ یا زنگی برنزی است که آتنا در اختیار وی قرار می‌دهد. محلی که هرکول این آزمون را می‌گذراند دریاچه ستیمفالی است در آرکادی. و خوان هفتم ابزار آزمون هرکول ورزایی است که پوزئیدون خدای دریاها به شاه مینوس هدیه داده است که آن را قربانی کند، محل آزمون جزیره کرت است و هرکول در این آزمون مأمور است که این ورزا را به اسارت بکشد. آزمون دیگر هرکول در خوان هشتم، سنجیدن توانایی وی است در گرفتن مادیان‌هایی که گوشت تن انسان را می‌خوردند و متعلق به شاه دیومدس بوده‌اند. در خلال همین خوان هرکول آزمون دیگری را پشت سر می‌گذارد و آن آزمون توانایی جسمی است در کشتی گرفتن با مرگ که عاملی غیرطبیعی است باهدف حیات‌بخشی به همسر شاه آدمتوس که با وی دوست بوده است. در آزمون خوان نهم، ابزار آزمون کمربندی است که آرس خدای جنگ آنرا به هیپولیت ملکه آمازون داده است. در این آزمون نقش عوامل مافوق طبیعی را به‌وضوح می‌بینیم.

در آزمون خوان دهم که آزمون توانایی جسمانی است مبارزه با دیوی است که کوه‌پیکر است و هرکول موفق می‌شود آن را با پرتاب تیری بکشد. هدف در این آزمون گرفتن رمه زیبا و سرخ‌رنگ این دیو می‌باشد که گریون نام دارد و ابزار انجام این آزمون گرز و کمان هرکول می‌باشد. در پایان همین آزمون است که هرکول آزمون توانایی دیگری را انجام می‌دهد و آن مبارزه با دیوی کاکوس نام است که همانند آزمون مبارزه با شیر با فشردن گلویش او را می‌کشد. از آغاز اولین آزمون هرکول تا پایان همین آزمون هشت سال می‌گذرد که هرکول آزمایش‌های گوناگون را از سر می‌گذراند.

هرکول در آزمون خوان یازدهم، چند آزمون را با هم انجام می‌دهد. او ناگزیر است که سیب‌های طلایی هسپریدها را که دختران اطلس تیتانی بودند و وی آسمان را بر دوش می‌کشید، به دست بیاورد. هرکول در انجام این آزمون از نرئوس، که از پیران دریا است کمک می‌طلبد و نرئوس می‌کوشد با تغییر شکل خود هراسی در دل هرکول اندازد، بدین‌وسیله هرکول در خلال همین خوان چندین آزمون را از سر می‌گذراند تا در آزمون شجاعت موفق بیرون آید از جمله نرئوس خود را به هیئت آتش شعله‌ور، شیر غران، ماری زیرک و سیلابی بنیان‌کن درمی‌آورد و هرکول با محکم گرفتن وی، در این آزمون‌ها پیروز شده و او را وادار به تسلیم و اطاعت از خود می‌کند و بارانمایی‌های او در ادامه یک آزمون دیگر قدم در راه می‌گذارد و آن آزمون توانایی و دانایی در مبارزه با دیوی به نام آنتائوس است که هرکول را به کشتی گرفتن با خود فرامی‌خواند و هرکول با تکیه بر دانایی خود در این آزمون توانایی موفق بیرون می‌آید، و سپس در آزمون توانایی دیگری موفق به کشتن تمام جانوران و درنده‌خویان آن منطقه می‌شود. هرکول همچنان در آزمون‌های همین خوان است که آزمون دیگری را هم از سر می‌گذراند و آن آزمون نجات پرومئتوس خدای آتش، از چنگال عقاب جگرخوار است، با توصیه پرومئتوس هرکول به سراغ اطلس می‌رود و برای مدتی به جای وی آسمان را بر دوش می‌کشد تا اطلس برود و سیب‌های طلایی را بیاورد، اما هنگامی که با سیب‌ها برمی‌گردد اذعان می‌کند که از گرفتن آسمان بر دوش خسته شده است و خود مایل است که سیب‌ها را به شاه اوریستئوس برساند، هرکول در اینجا هم آزمون دیگری را از سر می‌گذراند و آن آزمون دانایی است که با تظاهر به قبول کردن خواسته اطلس او را به دوباره گرفتن آسمان بر دوشش می‌فریبد و سیب‌ها را برداشته از این آزمون هم عبور می‌کند. آخرین آزمون هرکول که آزمون توانایی است در دنیای مردگان و دنیای زیرین به انجام می‌رسد، وی مأمور است که سگ سه سر و هیولا پیکر دنیای هادس را به زمین بیاورد، هرکول با کمک هرمس که ارواح مردگان را به دنیای زیرین می‌برد، به این سفر می‌رود. هرکول با پذیرفتن این شرط که از هیچ سلاحی استفاده نکند آن سگ را میان بازوان خود گرفته و به تیرین برده به شاه اوریستئوس نشان داده و سپس او را به جایگاه خود برمی‌گرداند.

آزمون‌های اولیس

ادیسه از دیگر شخصیت‌های قهرمان ادبیات یونان است که به حيله‌گری و مکار بودن معروف است، هم‌زمان با شرع شدن جنگ ده‌ساله تروا، هاتف یکی از معابد به ادیسه هشدار داده بود که

اگر وی به تروا برود، بیست سال بعد تنها به خانه‌اش باز می‌گردد. هنگامی که آگاممنون و منلاوس به دیدنش آمدند، وی با بستن یک اسب و یک ورزا به خیش، به جای اینکه دو ورزا ببندد، وانمود کرد که عقل خود را از دست داده و دیوانه شده است. آن دو برادر، که می‌دانستند ادیسه مرد مکاری است، برای امتحان وی کودکش تلماکوس را از گهواره بیرون آوردند و او را جلو دستگاه شخم‌زنی گذاشتند. ادیسه برای اینکه فرزندش را نکشد، نقش دیوانگی را رها کرد و درصدد برآمد سربازانی را گردآورد تا با وی به تروا بیایند (ر.ک: روزبنرگ، ۱۳۷۹: ۱۰۷). پس از اتمام جنگ ده‌ساله تروا درحالی‌که ادیسه و یارانش سوار بر کشتی‌های خود عزم برگشت به وطن را می‌کنند، طبق سرنوشتی که خدایان برای وی مقدر کرده‌اند، این بازگشت نیز ده سالی به درازا می‌کشد و ادیسه، آواره و سرگردان، راه به سرزمین‌های گوناگون می‌برد و رنج‌ها و آزمون‌های بسیاری را برمی‌تابد. داستان این بازگشت پرماجرا، ادیسه را پدید می‌آورد که از بیست‌وهشت هزار و هشتصد سرود ساخته شده است (ر.ک: کزازی، ۱۳۷۹: ۱۶۴).

طوفان، کشتی‌های اولیس را به سرزمین‌های دوری برد. در آن سرزمین میوه‌ای (کنار) بود که هر کس از آن می‌خورد خاطرات گذشته را فراموش می‌کرد. بسیاری از یاران اولیس از آن خوردند و زادگاه خود را فراموش کردند. اولیس به‌زور آنان را سوار کشتی کرد و بست. سپس به جزیره غولان یک چشم که چشمی در وسط پیشانی داشتند، رسیدند. اولیس با یاران خود در آنجا فرودآمد و به غار یکی از غولان رفت. غول دو نفر از یاران او را خورد و در غار را بست. صبح زود دو نفر آنان را بلعید و از غار خارج شد. شب چون بازگشت، اولیس به او شراب داد. غول مست شد و به خواب رفت. اولیس با میخی داغ او را کور کرد. غول بر در غار نشست تا مانع خروج آنان شود. اولیس و همراهان، خود را در پشت شکم گوسفندان پنهان ساختند و از غار بیرون آمدند. سپس به جزیره خدای بادها رسیدند. ایول خدای بادها به اولیس مشکی داد که در آن بادهای سخت بود و سفارش کرد که در مشک را نگشاید. یاران اولیس به طمع گنج، سر آن را گشودند، طوفان کشتی‌ها را به جزیره دیگر افکند که جایگاه غولان آدمی‌خوار بود. اولیس با کشتی خود به جزیره دیگر رفت که محل زنی جادوگر بود (ر.ک: پینسنت، ۱۳۸۰: ۲۲۶-۲۲۴).

زن جادوگر به یاران اولیس شراب افسون شده داد و همه به شکل خوک درآمدند. اولیس به کمک گیاهی جادویی که هرمس به او آموخته بود سحر را باطل کرد و جادوگر را مجبور کرد که یارانش را به شکل آدمی بازگرداند. سپس از آنجا به جایگاه مردگان رفت تا تیرزیاس غیب‌گو

را ملاقات کند. سپس به سرزمین سیرون ها رفت که در آنجا پریانی در سبزهزارهای اطراف کرانه آواز می‌خواندند و رهگذران را به‌جانب خود می‌کشیدند. اولیس گوش یاران را با موم‌اندود و آنان را به دکل کشتی بست. سپس از صخره‌ای که دو طرف آن تحت سیطره دو دیو بود گذشت. یکی از دیوان آب دریا را فرومی‌برد و با آوایی ترس‌ناک باز پس می‌داد. دیو دیگر دوازده دست و شش گردن داشت که بر هر گردن سری بزرگ با دهانی فراخ بود و در هر دهان سه ردیف دندان قرار داشت. سپس به جزیره‌ای رسیدند که رمه گاوان خورشید در آن می‌چرید. یازان اولیس گاوان را کشتند. خورشید خشمگین شد و طوفان را واداشت تا کشتی آنان را غرق کند. اولیس خود را نجات داد و به جزیره‌ی یکی از الهگان رسید. الهه‌ای عاشق اولیس شد و به او گفت که اگر آنجا بماند به او عمر جاویدان می‌دهد. اولیس موافقت نکرد و الهه او را هفت سال در غار نگه داشت و سرانجام به دستور زئوس آزاد کرد. اولیس سوار بر تخته‌پاره‌ای دوباره راه دریا را پیش گرفت. اما باده‌ها تخته او را نابود کردند و او شناکان خود را به جزیره‌ای رساند. پادشاه آنجا اولیس را گرامی داشت و به او کشتی داد تا به زادگاه خود ایتاکا (انطاکیه) بازگردد (ر.ک: همیلتون، ۱۳۷۶: ۲۹۲-۲۸۸).

اولیس در جامه‌گدایان وارد شهر شد. پنهلوپ اعلام کرده بود که هر کس که بتواند کمان اولیس را زه کند و تیر را از سوراخ انگشتر بگذراند می‌تواند همسر او شود. اما هیچ‌کس از عهده برنیامد. اولیس که در جامه‌گدایان بود به‌آسانی کمان را زه کرد و تیر را از انگشتری گذراند. سپس به آستانه‌ی در ایستاد و به کمک پسرش دشمنان را کشت و حقیقت حال خود را بر همسرش آشکار ساخت (ر.ک: همان: ۲۹۷-۲۹۳).

اولیس نیز همچون کیخسرو، هملت و بروتوس، آزمون تظاهر به دیوانگی را انجام می‌دهد، وی برای دوری از جنگ تروا وانمود می‌کند که عقل خود را از دست داده و دیوانه شده، البته در این آزمون وی موفق نمی‌شود که به هدف خود برسد. پس از اتمام جنگ تروا، زمان ده‌ساله آزمون‌های وی نزدیک می‌شود. محل آزمون‌های وی بستر دریاها می‌باشد. امواج دریا وی و یارانش را از جزیره‌ای به جزیره‌ای می‌برد و اولیس در این آزمون‌ها به‌طور متعدد و پشت سر هم از آزمون‌های دیگر قدم می‌گذارد. آزمون وسوسه نشدن و نخوردن از میوه کنار، آزمون توانایی در نبرد با سیکلوپ غول‌پیکر و آزمون فرار از دست این دیو با توسل بر دانایی و زیرکی اولیس. آزمون مواجهه با غولان آدمی‌خوار، آزمون مواجهه با زن جادو، آزمون سفر به دنیای مردگان، آزمون وسوسه نشدن به آواز پریان سرزمین سیرون‌ها، آزمون گذر از طوفان

خورشید، آزمون صبر در اسارت الهه‌ای که هفت سال مانع از رفتن وی شده بود. این‌ها آزمون‌هایی بود که گاه اولیس در آن‌ها با توسل بر دانایی خود و کمک یارانش با موفقیت می‌گذراند. اولیس حتی در پایان آزمون‌های ده‌ساله زمانی که به سرزمینش ایطاکه می‌رسد، باز توسط همسرش آزمایش می‌شود، آزمون توانایی درکشیدن کمان و آزمون شناختن تخت اتاق خوابش.

تحلیل آزمون‌های قهرمانان اساطیری حماسه‌های هندی

سیتا

رامایانا یا رامایانه به معنای سرگذشت راما از حماسه‌های بزرگ هندی به زبان سانسکریت است. این داستان از وفاداری‌های بزرگ که خاص مردم هند است، سخن می‌گوید. داستان از آنجا شروع می‌شود که پادشاه آیودها که سلطانی درستکار است، احساس می‌کند که دوران پیری وی نزدیک می‌شود و اعلام می‌کند که می‌خواهد پسر خود راما را به تخت بنشانند و خود کناره‌گیری کند اما ملکه جوان کشور از این خبر خشمگین می‌شود و می‌خواهد پسر او بهاراتا بر تخت بنشینند و چون پادشاه زمانی به او وعده داده بود که هر چه او بخواهد انجام دهد، به نزد شوهر می‌رود و از او می‌خواهد که راما را برای ۱۴ سال در جنگلی به ریاضت و آوارگی روانه سازد و بهاراتا را به جای برادر بر تخت نشانند. پادشاه از شنیدن این خبر اندوهگین می‌شود و از ملکه می‌خواهد از این تصمیم صرف‌نظر کند اما ملکه می‌گوید یک پادشاه نباید عهد خود را فراموش کند. وقتی راما از ماوقع باخبر می‌شود اعلام می‌کند که در کمال رضایت از فرمان پدر اطاعت می‌کند و از همسرش سیتا می‌خواهد که تا بازگشت او بهاراتا را پادشاه بداند اما سیتا حاضر به ماندن نمی‌شود و همراه شوهرش به جنگل می‌رود. در این سفر لاکشمن برادر دیگر راما نیز با وی هم‌سفر می‌شود از سوی دیگر بهاراتا نیز اعلام می‌کند که هیچ‌گاه به جای راما بر تخت نمی‌نشیند و فقط از جانب او بر کشور سلطنت خواهد کرد. مدت ۱۰ سال راما به اتفاق همسر و برادر خود در جنگل به سر می‌برد و با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کند. در این میان غولی غارتگر به نام راوانا تصمیم می‌گیرد با ربودن سیتا شوهرش را آزار دهد. وی خود را به صورت غزالی درمی‌آورد و سیتا را فریب می‌دهد و وی را با خود به آسمان‌ها می‌برد. راما و لاکشمن به دنبال سیتا همه‌جا را زیر پا می‌گذارند و در نهایت پادشاه میمون‌ها آن‌ها را یاری می‌دهد تا سیتا را بیابند و در نهایت پس از جنگی خونین که بین سپاه راما (میمون‌ها) و سپاه راوانا اتفاق می‌افتد، سیتا نجات می‌یابد. سیتا پس از نجات به دلیل شایعاتی که درباره او بر

سر زبان‌ها افتاده است که وی به رامای خیانت کرده و همسر راوانا شده است از آتش می‌گذرد و بی‌گناهی خود را به اثبات می‌رساند. رام همسر سیتا برای به دست آوردن او به رقابت با دیگر خواستگاران می‌پردازد و به‌نوعی آزمون توانایی را از سر می‌گذراند و اما سیتا همسر او همانند سیاوش برای اثبات پاک‌دامنی‌اش مجبور به گذر از آتش می‌شود و چراکه به او تهمت زده شده بود که به همسرش خیانت کرده است بنابراین آزمون آتش برای اثبات پاک‌دامنی‌اش به پا داشته می‌شود و نتیجه آزمایش سربلندی سیتاست.

سکدیو

ماجرای زندگی سکدیو در جلد سوم مهابهاراتا آمده است. او فرزند بیاس نیکوکار و عابد بزرگ است. این داستان‌ها از زبان بهیکم پتاما که خود از سرداران کم‌نظیر میدان جنگ در دانش و ادب دریای بیکران است خطاب به جددهشتر بیان می‌شود. جددهشتر برادر بزرگ پاندوان است که بعد از فراغت از جنگ به قدرت رسیده و به دنبال یک حکومت همراه با صلح و آرامش است از عموی خود بهیکم پتاما که حکیم بزرگی است درباره سکدیو می‌پرسد و می‌گوید: من در مورد مادر و علم او که در خردسالی داشته چیزی نمی‌دانم؛ اما آوازه بزرگی و دانش او برای من مثل آب حیات بوده است. بهیکم پتاما می‌گوید: بر قله کوه سمیر مهادیو باپاربتی و خدمتکاران دیگر کامرانی می‌کرد. بیاس در همان‌جا در آرزوی فرزندی گرمی آتش و صفای آب و حلم خاک و تصرف باد و بزرگی آسمان باشد عبادت می‌کرد و غذایش فقط باد بود. همه بزرگان دین و پادشاهانی که سلطنت رها کرده بودند آنجا حضور داشتند. همه خلق آسمان و زمین از عبادت بیاس در شگفت بودند. موی ژولیده بیاس از شدت نور عبادت مثل شعله آتش می‌تافت. مهادیو این فرزندی که بیاس آرزو می‌کند را به او می‌دهد سکدیو با شرایطی بسیار عجیب و شگفت‌انگیز به دنیا می‌آید. او به مجرد تولد به عبادت مشغول می‌شود. سکدیو بعد از طی مراحل ریاضت و آموزش علم بیشتر و مراحل کمال به سمت آسمان می‌رود و بیاس می‌فهمد که فرزندش به راه بزرگی می‌رود به راهی که بزرگ‌تر از همه بادهاست چراکه در ذات خورشید محو شده بود و پیش راه او را چیزی نمی‌گرفت (رک: مهابهاراتا، ۱۳۵۸: تلخیص از ۴۸۳-۵۰۲). سکدیو را به‌نوعی به کیخسرو در شاهنامه شبیه به هم می‌دانند، از جمله شباهت‌ها می‌توان به این‌ها اشاره کرد: دو قهرمان در ذات حق محو شدند و جسم آن‌ها ناپدید شد، هر دو قهرمان از دنیا و مافی‌ها بیزار بودند و قدرت و سلطنت را رها کردند. آن‌ها از لحاظ داشتن خصایل انسانی والا بسیار به یکدیگر شبیه هستند. سکدیو به دلیل شخصیت عرفانی آزمون‌های

عرفانی را که سالکان و عارفان از سر می‌گذرانند را از سر گذرانده و به مقام معنوی و عرفانی رسیده پدر او نیز مقام عرفانی داشته و هر دو ی آن‌ها ریاضت‌های فراوانی را برای طی طریق کشیده‌اند و عاقبت به آسمان رفته‌اند.

در آزمون‌های هفت‌خوان شاهنامه، هدف نجات جان شخصیتی است و گویا هدف رستم همچون اسفندیار، رسیدن به تاج و تخت نبوده و گذر از آزمون‌ها را تنها برای نجات جان کاووس و انگیزه رسیدن به نام و آوازه انجام داده است. اسفندیار گرچه هدف از انجام آزمون‌ها و گذر از آن را نجات جان خواهران می‌داند؛ اما انگیزه رسیدن به نام و شهرت جاودانه و گرفتن تاج و تخت پدر نیز بی‌اثر نبوده است. ابزارهای آزمون نیز سلاح‌های معمول پهلوان است که با خود حمل می‌کند، مکان آزمون در ایران است و کوه و کمرها و بیابان و دریا و... و در هر دو آزمون زمان انجام آزمون یک هفته بیشتر طول نمی‌کشد و در پیشبرد هر دو آزمون‌ها اشیا و موجودات بی‌تأثیراند، در آزمون‌های رستم «رخش» شخصیتی مجازی به شمار می‌آید که حتی خون اول را که آزمون مواجهه با شیر است او انجام می‌دهد، در آزمون‌های اسفندیار این نقش را گرگسار بازی می‌کند که شخصیتی حقیقی است، اما وی تنها راهنمای اسفندیار بوده و در پیشبرد آزمون‌ها نقشی نداشته. در آزمون‌های هر دو پهلوان کسی نبوده که برگزارکننده آزمون باشد تا در نهایت آزمون‌ها را قبول کند یا نه؛ اما هر دو پهلوان در تمام آزمون‌های خود موفق بیرون می‌آیند. حوادثی چون گذشتن از کوه و بیابان و گذشتن از برف و بوران و دریا که حوادثی معمول هستند در آزمون‌های هر دو پهلوان نقش دارد، داشتن جسارت، شجاعت، و پاک بودن پهلوانان از مفاهیم و موضوعات آزمون است که در طول آزمون‌ها برای آن‌ها پیش می‌آید. در هر دو هفت‌خوان پهلوان، آزمون منشأ زمینی دارد و در هیچ‌کدام از آن‌ها نیروهای مافوق طبیعی دخالت چندانی ندارد مگر در آزمون خون‌های چهارم هر دو پهلوان که به نوعی یاری و تأیید ایزد، در آن نقش دارد. در حماسه رامایانا که آزمون دهنده برخلاف دیگر اساطیر یک زن می‌باشد، فعل و انفعالات پهلوانی در میان نیست، گرچه همانند پهلوانان که هرکدام آزمون پاک‌ی و بی‌گناهی را از سر گذرانده‌اند اینجا هم باید آزمون‌شونده پاک‌ی و بی‌گناهی خود را به اثبات برساند، اما قدری ملایم‌تر آن‌گونه که آگنی خدای آتش به علت پاک‌ی و بی‌گناهی آزمون دهنده (سیتا) خود در مقام آتش آزمون‌شونده را امن و سلام می‌دهد. در اینجا ابزار آزمون آتش است. مکان آزمون در قلمرو حکومت رام همسر سیتا یعنی در هند بوده است. و زمان شاید در اینجا لحظه‌ای باشد که به ورود و خروج سیتا در آتش به طول کشیده باشد،

آزمون به گونه‌ای بوده که اشیا و موجودات و اشخاص در روند آن دخالتی نداشته‌اند، گذر از آتش تنها حادثه‌ای این آزمون بوده است، و پاکی و بی‌گناهی از مفاهیم و موضوعات آن. آگنی خدای آتش در هندوستان در این آزمون بر بی‌گناهی آزمون دهنده شهادت داده و با سالم نگه‌داشتن وی از شعله‌های آتش این‌گونه دخالت کرده و در آزمون از وی حمایت می‌نماید. آزمون منشأ زمینی دارد اگرچه سیتا از نسل خدایان بوده که در هیئت یک انسان زمینی و همسر خداگونه خود رام چهره می‌نماید. وی در آزمون موفق می‌شود و آزمون موردقبول آزمون گیرنده واقع می‌شود.

هدف آزمون‌های گیلگمش و هرکول، رسیدن به جاودانگی است، هرکول باید بمیرد تا به جاودانگی برسد و خود را در جمع خدایان کوه اولمپ قرار دهد. در آزمون‌های که برای اولیس پیش می‌آید شاید تنها، هدف خدایان مطرح باشد و آن سرگردانی اولیس است به سبب نفرینی که یکی از سیکلوپ‌ها (پسر پوزئیدون که اولیس او را کور کرد) در حق وی کرد، و نیز شایسته است اگر بگوییم که هدف اولیس از آزمون‌های اجباری که از جانب خدایان برای وی پیش آمده تنها گذشتن از موانع و رسیدن به دیارش ایتاکا و دیدار همسرش پنه لوپ باشد. اولیس گرچه از جانب خدایان مورد آزمون‌های سختی قرار می‌گیرد، اما پذیرفته شدن یا نشدن آزمون وی مراد خدایان نبوده و شاید بتوان گفت، بیشتر آزمون‌های اولیس نوعی سرگرمی و تفریح بوده که یک انسان میرا می‌توانسته است برای خدایان اولمپ نشین یونان بیافریند. هرکول در آزمون‌هایش علاوه بر استفاده از سلاح‌های معمول از جمله کمان معروفش از ابزاری که گاه حتی خدایان در اختیارش می‌نهند نیز استفاده می‌کند، و حتی نیز دست‌خالی و تنها با تکیه بر زور بازوی خود بعضی آزمون‌ها را پشت سر می‌گذارد، گیلگمش نیز با سلاح‌های معمول خود از جمله خنجر آزمون‌های توانایی را پشت سر می‌گذارد و تنها ابزار معنوی که وی را با آن می‌آزمایند و وی در آن با شکست مواجهه می‌شود، خواب است. ابزار آزمون‌های اولیس نیز سلاح‌های جنگی و شمشیر برنده‌اش است، و وی به سبب مشهور بودنش به مکاری از آزمون‌های دانایی فراوانی که بدون پشتوانه پهلوانی هستند گذر می‌کند.

در مورد زمان آزمون سه پهلوان برخلاف رستم و اسفندیار که در عرض زمان کوتاهی به مدت یک هفته به انجام رسیده است، آزمون‌ها به ترتیب گیلگمش، هرکول، و اولیس، از مدت زمان یک سال تا دوازده و ده سال، به طول کشیده‌اند.

اشیا و موجودات دخیل در آزمون، تنها در آزمون‌های هرکول دیده می‌شود. کمر بند هیپولیت ملکه آمازون، شیء مقدس است که هرکول را به آن می‌آزمایند و همین‌طور گوزن آرتیمیس حیوانی مقدس بوده است که هرکول ظرف زمان یک سال به گرفتن و صدمه زدن به آن، آزموده می‌شود. اشخاص دخیل در آزمون‌های سه پهلوان، شخصیت‌های اصلی بوده‌اند، از جمله یولاس برادرزاده هرکول، که در بعضی از آزمون‌ها دست راست هرکول است و کمک شایانی به او می‌کند. سیدوری زن ماهی‌فروش که گیلگمش را راهنمایی می‌کند، و همانند اولاد و گرگسار که راهنمای رستم و اسفندیار بوده‌اند، تنها نقش هدایت‌گر را داشته و در پیشبرد آزمون دخالتی نداشته است و یاران اولیس که وی را همراهی می‌کنند، می‌توان گفت هم به‌طور آگاهانه در پیشبرد آزمون‌ها اولیس را یاری می‌کنند و هم به‌طور بسیار ناخواسته و ناآگاهانه وی را به آزمون‌هایی مبتلا می‌کنند. در آزمون‌های هرکول حوادث غیرمعمول همچون زنده کردن مرده، و سفر به دنیای مردگان دیده می‌شود، اولیس نیز آزمون‌های غیرمعمول دریایی، رفتن به دنیای مردگان و گذر از جزیره‌های شگفت‌انگیز را دارد و گیلگمش نیز آزمون‌هایش را با حوادث معمول و غیرمعمول گذر از دریا و دهلیز تاریک و طولانی را دارد.

مفاهیم و موضوعات آزمون نیز در مورد همه پهلوانان نامبرده یکسان است با این تفاوت که هرکول و گیلگمش، جاودانگی را نیز ارج می‌نهند و هرکول علاوه بر جستن جاودانگی به دنبال تزکیه نفس هم است. جسارت، شجاعت و پاکی از مفاهیم و موضوعات این آزمون‌ها هست. دخالت نیروهای مافوق طبیعی در آزمون‌های هرکول و اولیس بیشترین اختصاص را به خود داده‌اند. در آزمون‌های هرکول، گاه خدایان، با دخالت مستقیم خود در آزمون‌ها رخ می‌نمایند. هرا الهه شکار و همسر زئوس، از سر دشمنی با هرکول مشکلات فراوانی را در گذر از آزمون‌ها برای هرکول ایجاد می‌کند و در آزمون گرفتن کمر بند هیپولیت، خود را به هیئت زنی آمازونی و جنگجو درمی‌آورد و بقیه زن‌های آمازونی را بر هرکول می‌شوراند. آتنا ایزد بانوی جنگ، با دخالت غیرمستقیم و دادن قاشق‌های برنزی به هرکول، وی را در گذر از آزمون یاری می‌دهد. پرومتئوس، خدای آتش با راهنمایی هرکول به او یاری می‌دهد که چگونه از اطلس در گرفتن سیب‌های هیسپریداها یاری بجوید و سرانجام می‌بینیم که نرئوس از پیران دریا چگونه با پیکرگردانی، هم‌زمان هرکول را به چند آزمون می‌آزماید. در مورد دخالت نیروهای مافوق طبیعی در آزمون‌های اولیس، می‌توان گفت گاهی خدایان ضد وی و گاهی با وی در جریان آزمون‌ها دخیل هستند، ایول خدای باده‌ها، با در مشک کردن بادهای سخت می‌خواهد کار

اولیس را آسان کند، اما یاران وی با بی‌خردی در مشک را می‌گشایند و به همین سبب اولیس را به آزمونی دیگر گرفتار می‌کنند. هرمس که پیام‌رسان خدایان است با دادن گیاهی جادویی وی را در آزمون مواجهه با زن جادو یاری می‌نماید. خورشید طوفان را وامی‌دارد تا به کشتی‌های اولیس و یارانش صدمه بزند. الهه‌ای او را به مدت هفت‌سال اسیر می‌کند و زئوس با دخالت مستقیم خود دستور آزاد کردنش را می‌دهد. منشأ آزمون‌ها تنها در آزمون‌های هرکول توآمان زمینی و آسمانی است، آن هم آزمونی است که در آن هرکول به جستجوی اطلس در آسمان‌ها می‌رود. در نهایت در بین آزمون تمامی پهلوانان، تنها برای هرکول برگزارکننده آزمون وجود دارد که از دوازده خوان وی دو آزمون وی را قبول می‌کند. هرکول در تمامی آزمون‌ها موفق بیرون می‌آید؛ اما گیلگمش در آزمون آخر خود که آزمون قدرت اراده و همین‌طور توانایی جسمانی است شکست می‌خورد. اولیس آنجا که پای آزمون دانایی در میان است پیروز میدان است و گاه در آزمون‌های سنجش توانایی که بر او و مخصوصاً یارانش وارد می‌شود شکست می‌خورد.

جدول مقایسه آزمون‌های اساطیر «ایرانی، یونانی و هندی»

رستم	اسفندیار	هرکول	گیلگمش	ادیسه	حماسه رامایانا و سکدیو
نجات کاوس، جستن نام و آوازه	نجات خواهران، جستن نام و آوازه، رسیدن به پادشاهی	جست‌وجوی جاودانگی، ترکیه نفس	جست‌وجوی جاودانگی	رسیدن به دیار و یار خود	سنجش پاکی و بی‌گناهی سینتا و گذراندن آزمون‌های عرفانی برای سکدیو
گرز، تیغ، خنجر	تیغ، شمشیر	زنگ برنزی آتنا، گرز، کمان، قدرت بازو	خنجر، خواب،	ابزار جنگی	آتش
مازندان	کوه قاف، بیشه،	دریاچه، ساحل رودخانه، غار، بانلاق، لیبی، قفقاز، اصطبل، جزیره، آمازون،	دهلیز دراز و باریک،	جزیره‌های مختلف	هند
یک هفته	یک هفته	دوازده سال	یک سال	ده سال	نصف روز
-	-	گوزن مقدس آرتمیس، کمربند	-	-	-

آزمون			هیولیت، یولاس		
اشخاص دخیل در آزمون	شخصیت مجازی «رخش»	-	برادرزاده هرکول	-	یاران اودیسه
نقش حوادث در آزمون	گذشتن از کوه و بیابان	گذشتن از برف و بوران، دریا، و بیابان	زنده کردن مرده، رفتن به دنیای مردگان،	گذشتن از دهلیز، دریا، بیابان	گذشتن از جزیره‌های مختلف
مفاهیم و موضوعات آزمون	جسارت، شجاعت، پاکي	جسارت، شجاعت، پاکي	تزکیه نفس، جاودانگی	جاودانگی	جسارت، شجاعت
دخالت نیروهای مافوق طبیعی	یاری ایزد در خون چهارم	یاری ایزد در خون چهارم	نرئوس از پیران دریا، پرومتئوس خدای آتش، اطلس، هرا الهه شکار	-	شماری از خدایان یونان
منشأ زمینی یا آسمانی آزمون	زمینی	زمینی	زمینی-آسمانی	زمینی	زمینی
موفق شدن یا نشدن در آزمون	موفقیت در تمام هر هفت آزمون	موفقیت در تمام هر هفت آزمون	موفقیت در هر دوازده آزمون	شکست در آزمون قدرت اراده	گاه موفق و گاه ناموفق
پذیرفته شدن یا نشدن آزمون	برگزارکننده آزمون نداشته است	برگزارکننده آزمون نداشته است	پذیرفته شدن ده آزمون از دوازده آزمون	پذیرفته نشدن آزمون قدرت اراده	-

نتیجه‌گیری

آئین آزمایش به سبک‌ها و صورت‌های فراوان و تقریباً مشابهی در تمامی اساطیر وجود دارد. آزمون‌شوندگان که اکثراً از طبقهٔ پهلوانان در اساطیر می‌باشند گاه به صورت دلخواه و اختیاری همچون رستم و اسفندیار، اقدام به پذیرش آزمون می‌کنند. گاه همچون هرکول و اولیس از سر اجبار تن به آزمون می‌دهند و سیلی از دخالت نیروهای مافوق طبیعی آن‌ها را از آزمونی به آزمونی دیگر می‌کشاند. آزمون‌ها گاه پذیرفته نمی‌شود و آزمون‌دهنده مجبور است به جای آزمون پذیرفته نشده آزمونی دیگر را از سر بگذرانند. در تمام اساطیر آزمون‌شونده‌ها مرد می‌باشند جز در حماسه رامایانا که آزمون‌شونده یک زن است که آن‌ها آزمون پاکي و بی‌گناهی را با گذر از آتش به انجام می‌رساند؛ حتی آنجا که در حماسهٔ بالدر پهلوان ایسلندی، می‌بینیم که

وی به حمایت از مادرش در تهمتی که لوکی به وی زده است، قد علم می‌کند و به‌جای مادر سوگند یاد می‌کند که وی بی‌گناه است. آزمون‌شوندگان به‌نوعی یا فرهمند هستند، مثل سیاوش، اسفندیار و کیخسرو و ... یا همچون هرکول و گیلگمش از وجودی نیم‌خدا و نیم‌انسان تشکیل شده‌اند. جز هرکول یونانی دیگر پهلوانانی که مورد آزمون قرار می‌گیرند، برگزارکننده آمونی ندارند تا آزمون موردپذیرش یا رد آن‌ها قرار گیرند. آزمون‌شونده گذر از آزمون را به دست آوردن نام و اعتبار برای خود تلقی می‌کند، از این رو است که وقتی دو خوان از ده خوان هرکول پذیرفته نمی‌شود وی تن به گذر از دو آزمون دیگر می‌دهد. همه پهلوانان بدون استثنا آزمون توانایی را از سر می‌گذرانند، اکثر آزمون‌های رستم آزمون توانایی بوده اسفندیار نیز در دو آزمون با توسل بر دانایی و پشتوانه پهلوانی گذر می‌کند. هرکول هرازگاهی دانایی و تدبیر خود را به‌کار می‌گیرد و از آزمونی عبور می‌کند، اما اکثر آزمون‌های وی با پشتوانه پهلوانی بوده است. گیلگمش آزمون دانایی ندارد و در آزمون‌هایش جنبه توانایی وی سنجیده می‌شود. تنها پهلوانی که آزمون‌های توانایی با پشتوانه دانایی را فراوان انجام داده اولیس یونانی است که ده سال را با گذراندن انواع آزمون‌های دانایی و توانایی پشت سر گذاشته. پهلوانان هرکدام بدون استثنا به آزمون پاکی و بی‌گناهی مبتلا می‌شوند، رستم، اسفندیار و اولیس در مصاف زن جادو، گیلگمش در مصاف ایشتر، هرکول در مصاف هیپولیت و زنان آمازونی. پهلوانان آنجا که پای آزمون سنجش توانایی در میان است و باید زور بازوی خود را نشان دهند، متناسب با دشواری‌ها و سختی‌های آزمون تلاش می‌کنند و با موفقیت از آن‌ها گذر می‌کنند. ابزارهای آزمون گاه سلاح‌های معمول پهلوان است که با خود حمل می‌کند و گاه ابزاری است که یک نیروی مافوق طبیعی در اختیار وی قرار می‌دهد. آزمون‌ها گاه مورد قبول آزمون‌گیرنده قرار نمی‌گیرد و در بسیاری از آزمون‌ها، شخصیتی تحت عنوان آزمون‌گیرنده وجود ندارد و پهلوانان باهدف رسیدن به نام و آوازه تن به آزمون می‌دهند مانند رستم و اسفندیار یا اولیس که به اجبار باید از آزمون‌ها عبور کند تا به مقصد خود برسد. آزمون‌ها فی‌نفسه در شکل اجرایی خود شباهت بی‌نظیری به یکدیگر دارند و تنها این آزمون‌دهندگان و آزمون‌گیرندگان هستند که به اقتضای هر ملت و اسطوره تغییر می‌کنند. روش‌های آزمون به‌طورکلی در تمام اساطیر با یکدیگر همخوانی دارند و در نحوه به اجرا درآمدن آن‌ها است که تفاوت‌ها دیده می‌شود.

منابع

کتاب‌ها

اسلامی‌ن‌دوشن، محمدعلی (۱۳۸۵) *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*، تهران: سهامی انتشار. ایندیک، ویلیام (۲۰۰۴) *روان‌شناسی برای فیلم‌نامه‌نویسان*، ترجمه محمدگذرآبادی، تهران: هرمس.

پینسنت، جان (۱۳۸۰) *شناخت اساطیر یونان*، ترجمه: باجلان فرخی (م.ح)، تهران: اساطیر. رزمجو، حسین (۱۳۸۱) *قلمرو ادبیات حماسی ایران*، ۲جلدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

روزنبرگ، دونا (۱۳۷۹) *اساطیر جهان: داستان‌ها و حماسه‌ها*، جلد ۱ و ۲، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: انتشارات اساطیر.

فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵) *شاهنامه (از روی چاپ مسکو)*، به کوشش سعید حمیدیان، ۴ جلد (۹ و ۱)، تهران: نشر قطره.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳) *نامه باستان*، ویرایش و گزارش شاهنامه فردوسی، تهران: انتشارات سمت.

کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۹) *رویا، حماسه، اسطوره*، تهران: نشر مرکز. *مهابهاراتا* (۱۳۵۸) ترجمه میرغیاث‌الدین علی قزوینی مشهور به نقیب‌خان، به تحقیق و تصحیح و تحشیه و مقدمه سیدمحمدرضا جلالی نایینی، تهران: شرکت افست سهامی خاص. همیلتون، ادیت (۱۳۷۶) *سیری در اساطیر یونان و روم*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: انتشارات اساطیر.

هومر (۱۳۷۹) *ایلیاد و ادیسه*، ترجمه جلال‌الدین کزازی، تهران: نشر مرکز. یونگ، کارل گوستاو و همکاران (۱۳۵۲) *انسان و سمبل‌هایش*، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر.

مقالات

خجسته، فرامرز، و صیادی، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی کهن‌الگوی آزمون در شاهنامه و هفت پیکر نظامی. *تاریخ ادبیات*، ۴(۱)، ۹۳-۱۰۹.

شجاعی‌مقدم، میترا. (۱۳۹۶). بررسی سفر قهرمان در حماسه گیلگمش با تأکید بر نظریه کریستوفر وگلر، نهمین همایش ملی زبان و ادبیات فارسی، بیرجند، ۸۲-۱۰۱.

موسوی، سید کاظم، بهزادنژاد، مریم، و سارکسیان، آرمینا. (۱۳۹۵). ساختار اسطوره‌ای در گنبد سیاه هفت پیکر: بررسی نظریه سفر قهرمان در گنبد اول. *فنون ادبی*، ۸(۴)، ۱۱۳-۱۳۰. doi: 10.22108/liar.2016.21202

مشعلیان، مرضیه، و هاشمیان، لیلا. (۱۳۹۹). گذر از نه پیشه شهریارنامه بر اساس نظریه تک اسطوره جوزف کمپبل. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲(۴۵)، ۲۳۹-۲۵۶. doi: 10.30495/dk.2020.678943

پایان نامه

دانش‌پور، مهدی (۱۳۹۲). *تحلیل کهن‌الگویی آزمون‌های شاهنامه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی اسدالله نوروژی، دانشگاه هرمزگان.

References

Books

Ferdowsi, Abolghasem (2006) *Shahnameh (from Moscow edition)*, by Saeed Hamidian, 4 volumes (9-and 1), Tehran: Qatreh Publishing. [In Persian]

Hamilton, Edith (1997) *A Journey into Greek and Roman Mythology*, Trans. Abdolhossein Sharifian, Tehran: Asatir Publications. [In Persian]

Homer (2001) *Iliad and Odyssey*, Trans. Jalaluddin Kazazi, Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]

Indic, William (2004) *Psychology for Screenwriters*, Trans. Mohammad Gozarabadi, Tehran: Hermes. [In Persian]

Islami Nodooshan, Mohammad Ali (2006) *The Life and Death of Heroes in the Shahnameh*, Tehran: Anteshar Publications. [In Persian]

Kazazi, Mir Jalaluddin (1995) *Ancient Letter, Editing and Reporting Ferdowsi's Shahnameh*, Tehran: Samat Publishing. [In Persian]

Kazazi, Mir Jalaluddin (1998) *Dream, Epic, Myth*, Tehran, Markaz Publishing. [In Persian]

Mahabharata (1980) Trans. Mirghias al-Din Ali Qazvini known as Naqib Khan, to research, correction and annotation and introduction by Seyyed Mohammad Reza Jalali Naeini, Tehran: Offset Company. [In Persian]

Pincent, John (2001) *Understanding Greek Mythology*, Trans. Bajlan Farrokhi (M.H.), Tehran: mythology. [In Persian]

Razmjoo, Hossein (2002) *The Realm of Iranian Epic Literature*, 2 volumes, Tehran: Humanities and Cultural Studies Research Institute. [In Persian]

Rosenberg, Donna (2000), *World Myths: Stories and Epics*, Volumes 1 and 2, translated by Abdolhossein Sharifian, Tehran: Asatir Publications. [In Persian]

Articles

Khojaste, F., & Sayadi, F. (2011). Examining the ancient pattern of the test in the Shahnameh and the seven military figures. *Literature History*, 4(1), 109-93. [In Persian]

Mashalian, M., & Hashemian, L. (2020). Passing through the Nine Bisheh of Shahriar-nameh: An Approach Based on Campbell's Theory of Monomyth.

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda), 12(45), 239-256. doi: 10.30495/dk.2020.678943. [In Persian]

Mousavi, S. K., Behzadnezhad, M., & Sargsyan, A. (2016). The mythic structure in the black dome of the Haftpeikar: Study of Hero's journey in the first dome. *Literary Arts*, 8(4), 113-130. doi: 10.22108/liar.2016.21202. [In Persian]

Shujai Moghaddam, M. (2016). Examining the hero's journey in Gilgamesh epic with emphasis on the theory of Christopher Wegler, *9th National Persian Language and Literature Conference*, 82-101 [In Persian]

Thesis

Daneshpour, Mehdi (2012) *Archeological analysis of Shahnameh tests*, master's thesis, under the guidance of Asadollah Nowrozi, Hormozgan University. [In Persian]

۵۳

A Comparative Study of the Labors of Mythical Heroes in the Epics of Different Nations: Case Study of Persian, Greek and Indian Myths
Somaye Taghizadeh Samrin¹, Dr. Abolqasem Radfar², Dr. Alireza Shabanlou³, Dr. Frank Jahangard⁴

Abstract

Mythical heroes appear in various forms; However, they often have the same story and go through the same steps. Labor and narratives related to it are one of the common themes of many world myths and it is usually one of the turning points of narratives and one of the most important motivational contexts of the hero for the initial action of narratives. Mythological tests are performed for various purposes and not only for heroes and heroines; Rather, in some myths they have been dedicated to the gods. The path of heroism of mythical brilliant characters passes through physical and spiritual trials. The test is one of the mirrors that existed among all the myths of the nations and has a history with its own myth. The test subjects, who are mostly from the class of heroes in mythology, sometimes accept the test voluntarily, such as Rostam and Esfandiar, sometimes, like Hercules and Ulysses, undergo the test out of compulsion and receive a flood of intervention from their supernatural forces. It takes another test. Tests are sometimes not accepted and the examiner has to pass another test instead of the unaccepted test. The heroes who are unquestionably tested are myths, each without exception suffering the test of purity and innocence; The wrestlers, where the test of ability is involved and must show the strength of their arm, try according to the difficulties and pass them successfully. This descriptive-analytical study answers the question that what are the similarities and differences between the comparative study of the labors of myths in the epics of different nations?

Keyword: Myth, labor, Persian, Greek, Hindi.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. samira.taghizade@yahoo.com

² . Professor of the Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (Corresponding author) agradfar@yahoo.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. alirezashabanlu@gmail.com

⁴ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. fjahangard@yahoo.com